

سنگ‌های سخت گرانبار بود و باری چونان بر پشت استقامتش سنگینی مینمود، دوش طاقتش از کشیدن آن بار گران بماند و زبان سقش آیت اداالسماء انشقت فرو خوانند، تیمور را میسر نشد که آن بنا فرو کوید و بنیادی استوار از نو گذارد، هم‌چنان آن شکاف نمودار و آن شکستگی در کار بود و او بدین حال نزدیکان و بستگان خود را فرمود که بدان گرد آیند و نماز گزارند و در دوران زندگی و پس از مرگش کار بدین منوال می‌گذشت و هر گاه مردم در آن مسجد بنماز می‌شدند چشم آن داشتند که بخشم خدا سنگی از فراز سقش بزیر آید* (ابن عربشاه، ۱۳۳۹، ۲۲۶ و ۲۲۷).

است (همان، ۱۵۸). قطر و ضخامت جرزهای ایوان ورودی حدود ۱۰/۵ متر بیان شده است (ویلبروگلمبک، ۱۳۷۴: ۲۶۶). مقدار و چگونگی بیرون‌زدگی جرزهای پیشطاق ورودی به گونه‌ای است که می‌توان پذیرفت که فضای آن پس از ساخت طرح نخستین بنا، توسعه یافته است، زیرا تمام سطح، کف پیشطاق ورودی چنان‌که در نقشه آن به خوبی آشکار است، از لبه جبهه ورودی بنا، بیرون زده است، در حالی که چهار ایوان درونی بنا در درون بدنه ساختمان جای داده شده‌اند. اندازه عرض جرزهای ایوان ورودی یعنی ۱۰/۵ متر نیز بسیار کم سابقه و شاید بی سابقه بوده است و می‌توان آن را نشانه‌ای از تقویت عناصر ساختمانی ایوان ورودی دانست.

توصیف بنا

بر اساس اسناد موجود و بناهای باقی مانده از دوره تیموری به نظر می‌رسد که این مسجد بزرگ‌ترین بنای باقی مانده از دوره تیموری است که در یک زمان طراحی و ساخته شده بود. مساحت سطح زمین مسجد حدود سیزده هزار متر مربع و مساحت حیاط آن حدود نزدیک به یک سوم سطح کل زمین مسجد است. شکل زمین مسجد به صورت مستطیلی با ضلع‌هایی به اندازه‌های ۹۹ و ۱۲۸/۵ متر است که بر اساس الگوهای معمولی امتداد محور اصلی بر راستای محور قبله منطبق بوده است. ویلبر و گلمبک بیان کرده‌اند که مسجد در محوطه‌ای مستطیل شکل به اندازه‌های ۱۶۷×۱۰۹ قرار داشته است (ویلبروگلمبک، ۱۳۷۴: ۲۳۵).

توجه و تأکید بر ارتفاع زیاد گنبدخانه و ایوان ورودی و هم‌چنین در مرحله بعد گنبدها و ایوان‌های جانبی موجب شده است که در نقشه ساختمان به صورتی آشکار دو نوع سازه شکل گیرد. نخست سازه‌ای شبستانی و متکی بر ستون‌های سنگی نسبتاً باریک که فضای شبستان‌ها با آن پوشیده و مسقف شده است و سازه‌ای ساده، یکنواخت و منظم است و شاید بتوان حدس زد که انتخاب آن به این سبب بوده که ساختمان را بتوان با عده زیادی کارگر و بنا به سرعت ساخت، چنان‌که بر اساس متون تاریخی حدود دویست کارگر در محوطه مسجد و پانصد کارگر در معدن سنگ مشغول به کار بودند تا بتوانند حدود چهارصد و هشتاد ستون سنگی بنا و هم‌چنین سایر بخش‌های

پس از پایان یافتن ساختمان مسجد در سال ۸۰۷ ق، دوباره فعالیت‌های ساختمانی در مسجد آغاز شد که درباره علت و چگونگی آن نظرهای متفاوتی بیان شده است. اگر به منابع تاریخی توجه و رجوع شود، می‌توان ارتفاع و شکوه ناکافی پیشطاق و درگاه ورودی و پیشطاق مقصوره بنا را یکی از علت‌های فعالیت‌های مجدد ساختمانی دانست (یزدی، ۱۳۵۶: ۴۲۱). افزون بر این در منابع تاریخی به ضعف ساختمانی در برخی از قسمت‌های بنا مانند گنبدخانه اشاره شده است (ابن عربشاه، ۱۳۳۹: ۲۲۷)، که در این صورت می‌توان استحکام بخشی قسمت‌های ضعیف ساختمان را نیز مورد توجه قرار داد.

رتیلا دگرگونی در شکل برخی از عناصر ساختمانی مانند بعضی از قوس‌ها و ضرورت تقویت آنها را دلیل کارهای ساختمانی دانسته است. مانکوفسکایا نظر داده که این کارها برای تقویت منطقه و بخش انتقالی میان عناصر باربر و گنبد بوده است (ویلبرو گلمبک، ۱۳۷۴: ۲۳۵). یوگانچکووا معتقد بوده که فعالیت‌های ساختمانی برای افزایش ارتفاع برخی بخش‌های ساختمان مانند گنبدخانه و فضای ورودی بوده است. او بیان کرده که فضای ورودی دوباره ساخته شد (یوگا، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

برخی اندازه‌های مربوط به عناصر اصلی بنا مانند گنبدخانه و پیشطاق ورودی می‌تواند دلیلی برای تقویت آنها باشد. اندازه اضلاع مستطیل اصلی مسجد ۱۲۸/۷×۹۹ متر و قطر گنبد اصلی آن ۱۸/۵ متر و ارتفاع آن ۳۷ متر بیان شده

جشنی شاهانه مرتب گشت، و بعد از آن باغ بلند از شکوه مقدم ارجمند فردوس مانند شد، و از آنجا روح‌آسا که پرتو حیات و بقا بر قالب اندازد بداخل سمرقند درآمد و خانه شاهزاده سعید محمد سلطان، خص بمزید الرحمه و الرضوان، بکرامت نزول همایون اختصاص یافت، و فرمان شد که متصل بمدرسه‌ای که معمار همت شاهزاده مشارالیه انشاء کرده گنبدی جهت مرقد متورش بسازند، برحسب فرموده در پیشگاه ساحت خاتناه متصل بصفه جنوبی، قبه‌ای فلک مثال برافراختند، و ایزاره آنرا از رخام منقش بزر و لاجورد مرتب ساختند و سردابه‌ای برای مدفن مغفرت معدن پرداختند و خانه‌ای چند که در حوالی آن بود ویران ساخته باغچه‌ای بهشت آیین ترتیب کردند، و مطرح انوار الهمامات حقانی یعنی ضمیر منیر حضرت صاحب قرآنی پرتو اعتنا و اهتمام بر استکشاف احوال خاص و عام انداخت، و بنور قضایای رعایا وزیردستان رسیده مجروحان زخم عدوان و تعدی را بمرامح بی‌دریغ بنواخت، و چون بمسجد جامع که از مستحدثات آن حضرتست گذار آورد درگاه آن که در مدت غیبت آن حضرت برآورده بودند، در نظر همت بلند کوچک و کوتاه نمود، امر عالی صدور یافت که آن را خراب سازند، و گشاده‌تر و بلندتر (آزان) اساس اندازند و برافرازند، و خواجه محمود داود بواسطه تقصیری که در توسیع و توفیق درگاه مذکور کرده بود در بازخواست افتاد، و در مدرسه سرای ملک خانم که در مقابل جامع واقع است نزول فرمود، و جهت استحکام مبانی معدلت و نصف عمل‌داران و بتکچیان را گرفته و بند کرده در معرض خطاب و عتاب آورد، و بعد از سوال و جواب هر که ازو خسروانی بکسی و ضرری بدیگری رسیده بود، ادبهای بلیغ دید و عقوبت‌های بسزا کشید و از آنجمله محمود داود و محمد جلد که از عظمای نویسندگان بودند و در مدت غیبت رأیت نصرت شعار متمهد امر و زارت، هر دو را بکان گل در اثنای طوی که بعد از این شرح داده خواهد شد بحلقی برکشیدند، و صاحب قرآن عالی مکان از مدرسه مذکور باغ چنار فرمود» (یزدی، ۱۳۵۶: ۴۲۰-۴۲۱).

در نوشته این عرشاه به این نکته اشاره شده که بی‌بی خانم مدرسه‌ای در روبه‌روی مسجد جامع تیمور می‌سازد که درگاه ورودی آن بلندتر و استوارتر از ورودی مسجد بود و این نکته سبب ناراحتی شدید تیمور می‌شود به گونه‌ای که دستور مرگ محمد جلد را صادر می‌کند. نکته دیگری که این عرشاه به آن اشاره کرده مربوط به سستی برخی قسمت‌های بنا و به احتمال زیاد سستی گنبدخانه آن بود و به گونه‌ای که گویا یک ترک در آن پدیدار شده بود و گاهی اوقات از آن اندکی از مصالح به زمینی می‌ریخت و موجب وحشت مردم می‌شد و گویا تیمور برای رونق آن دستور داده بود که عده‌ای نماز را در آن به جا آورند. متن نوشته این عرشاه به این شرح است:

« اما چون تیمور از سفر برگشت و از آنچه در زمان غیبتش روی داده بود خبر گرفت بجانب آن مسجد گذشت و بمحض آنکه بدان نظر افکند بفرمود که محمد جلدار بروی دراندازند و هر دو پای او بسته هم چنان بصورت بر زمین بر کشند تا جانش بر آید و خود بر همه اموال و فرزندان و بستگانش دست بگشود و انگیزه اینکار بسیار بود.

بزرگ‌تر از همه آنکه ملکه کبری همسر تیمور بینای مدرسه بی فرمان داده بود و معماران و مهندسان همه یک زبان بر آن شده بودند که بنای آن در برابر ساختمان آن مسجد قرار گیرد، پس بنیاد و اساسش باستواری بنهادند و دیوار و رواقش در برابر آن برافراشتند و آن باستواری از آن مسجد پای بر جاتر و بلندی از آن برتر بود، تیمور خوی پلنگی داشت و هیچکس در برابر او قد راست نکرد و سر بر نیآورد، مگر که پشتش بشکستند و سرش بر پای در افکندند و بدینکار بیگانه و خویش و دشمن و دوست را فرق نمی‌گذاشت پس چون بلندی آن مدرسه دید که بدانگونه در برابر مسجد وی قد برافراشته است، آتش خشمش بر افروخته سینه‌اش تنگی گرفت و یا مباشر بنای مسجد آن کرد که کرد و در اینکار بدان سعادت که امیدوار بود دست نیافت و داستانش از این پس بیاید.

نکته — این مسجد چون صاحب خود که بار گناهان سنگین بدوش میداشت از بار

آینه از آه تاریکی پذیرد...» (یزدی، ۱۳۵۱: ۱۴۴-۱۴۶).

ابن عربشاه در کتاب *عجایب المقصور فی الثواب التیمور* درباره چگونگی ساخت مسجد به اختصار چنین نوشته است:

«تیمور در کشور هندوستان بر مسجدی گذشت که بصفای منظر روشنی بخش دیده ارباب نظر بود، سقف و رواقش بزیباترین وضعی ساخته و صحن و دیوارش بمرمر سید پرداخته، ویرا آن شکل زیبا خوش آمده بران شد که مانند آن در سمرقند بنا کند، پس جایگاهی گزین کرده بفرمود که مسجدی با سنگ مرمر بدان گونه بنیاد گذارند و انجام این کار بیکی از یاران و مایشان که محمد جلد نام داشت وا گذاشت، وی در بنای مسجد و استواری بنیاد آن بسیار بکوشید و در نیکی و زیبایی و زینتش نهایت جهد بکار برد و مر آنرا چهار مناره بر افراشت و بدینکار بر همه استادان صنعت معماری مباحات و سرافرازی میکرد، بگمان آنکه جز او هیچکس را یاری آن نبود که بکار صنعتی چنان دست برآرد و بزودی تیمور از خدمات وی شکرگزاری کرده مر او را مقامی ارجمند خواهد بخشید.» (ابن عربشاه، ۱۳۳۹: ۲۲۶).

در گزارش شرف‌الدین علی یزدی اشاره شده که تیمور هنگامی که در هندوستان بود، قصد کرد که مسجد جامع بزرگی در سمرقند بسازد و در گزارش ابن عربشاه بیان شده که مسجدی را در هندوستان دید و از آن خوشش آمد و قصد کرد که در سمرقند بنایی مانند آن بسازد. یکی از نکات جالب توجه در گزارش هر دو مورخ این است که به طراحی و ساخت چهار منار در چهار گوشه بنا اشاره کرده‌اند و این نکته نشان می‌دهد که احتمالاً این ویژگی برای آنان نیز تازگی داشته است.

اهمیت ساختمان مسجد برای تیمور چنان بود که گویا در مدتی که در سمرقند بود به فعالیت‌های ساختمانی نظارت می‌کرد. به نظر می‌رسد که برای سرعت در ساخت بنا از یک نقشه نسبتاً ساده و یکنواخت استفاده شد تا عده زیادی از کارگران و بنایان و به ویژه سنگ تراشان بتوانند عناصری از ساختمان مانند ستون‌های آن را به صورت سری

و سریع از روی یک الگو بسازند. بر اساس متن گزارش تنها دویست نفر سنگ تراش در درون مسجد و پانصد نفر در کوه‌ها برای بریدن سنگ مشغول به کار بودند و در سایر زمین‌ها نیز عده‌ای فعالیت داشتند. برای حمل سنگ‌ها از نود و پنج قیل که از هندوستان آورده بودند نیز استفاده می‌شد و به این ترتیب چهارصد و هشتاد ستون سنگی آماده کردند. براساس متن گزارش به نظر می‌رسد که تمام یا قسمت‌هایی از سقف شیستان‌ها را نیز با سنگ ساختند. فرش کف مسجد هم از تخته سنگ‌های تراشیده و پرداخته شده ساخته شد و ارتفاع ستون‌ها، هفت گز و ارتفاع شیستان از فرش تا پوشش نهایی حدود نه گز بیان شده است.

برای تزئین بنا دور تا دور دیوار آن را از طرف درون و بیرون با سنگ تراشیده تزئین کردند و سوره کهف و برخی از دیگر آیه‌های قرآن کریم را بر آن حک کردند. می‌توان حدس زد که در استفاده فراوان از سنگ و انتخاب سازه سنگی برای شیستان مسجد از بناهای هند الهام گرفته شده بود. آشکار است که برای ساخت گنبدها و ایوان‌ها از سازه بنایی که معماران ایرانی با آن آشنایی کامل داشتند، استفاده کردند و به نظر می‌رسد که همین موضوع سبب ایجاد دو نوع ساختار در پلان مسجد شده بود.

در این متن به در هفت جوش و هم‌چنین محراب آهنین مسجد نیز اشاره شده است. شرف‌الدین علی یزدی توضیح داده که پس از آن که تیمور از سفر جنگی بازگشت و درگاه ورودی مسجد را در مقایسه با ساختمان مرتفع مدرسه‌ای که به دستور بی‌بی‌خاتم در روبه‌روی آن ساخته شده بود، می‌بیند ناراحت می‌شود و دستور می‌دهد که محمود داود و محمد جلد که در غیاب او نظارت بر ساختمان مسجد را بر عهده داشتند، به مرگ محکوم می‌کند و دستور می‌دهد که درگاه ورودی ساختمان مسجد را خراب می‌کنند و دوباره آن را می‌سازند. تناسب و چگونگی طرح پیشطاق ورودی می‌تواند نمایانگر درستی این موضوع باشد. متن گزارش به این شرح است:

« بیاغ شمال انتقال یافته چند روز بدولت و اقبال توقف افتاد، و در آنجا بجهت فرزندی که از بیکی متولد شد، تمام آغابان و شاهزادگان و نوینیان جمع آمده

مسجد بمدرسه خانم و خانقاه تومان آغا می گذرانید و قضایای دینی و ملکی که بدادگستری و رعیت پروری تعلق داشتی همانجا بفیصل می رسانید تا از میامن التفات همایون شرفات عالیش چون مصادد قدربانی بمحاذات ایوان کیوان رسید و صفای صحن دلگشاد و طیت هوای روح افزایش خط نیشان بر اوصاف باغ چنان و روضه رضوان کشید.

زهی بلند بنایی که غرفهای بهشت

زرقتش همه هستند معترف بقصور

و چهار صد و هشتاد ستون از سنگ تراشیده هر یک بطول هفت گز برافراخته شد، و سقف رفیع و فرش بدیعش تمام از تختهای سنگ تراشیده و پرداخته گشت، چنانچه ارتفاعش از فرش پوشش قریب نه گز است

ور زطاق و قبه مقصوره اش جویی نشان

هیچ نتوان گفت غیر از کهکشان و آسمان

فرد بودی قبه گرد گردون نبودی ثانیش

طاق بودی طاق اگر جفتش نبودی کهکشان

و در هر رکن از ارکان چهارگانه اش مناری سر سوی آسمان کشیده ندای، آن آثار نا تدل علینا، بچهار رکن عالم میرساند و سریر در بزرگش که از هفت جوش مرتب شده عباد هفت اقلیم را بدارالسلام اسلام می خواند و گرداگرد دیوارش از طرف بیرون و اندرون و گرد طاقها بکتابه سنگ تراشیده زینت یافته و بر تو انوار حروف و کلمات سوره کهف و دیگر آیات بینات قرآنی بران تافته، کمال جمال منبر و قبله گاهش مصدوقه فلنولینک قبله ترضیها، بر نظر بصیرت آگاهان سر، فاینما تولو اقمم وجه الله جلوه میدهد.

تا دیده توفیق که آنرا ببیند

و محراب آهنینش از آه و این عذرخواهان، و بالاسحار هم بستفرون، روشن آینه صورت حال اولئک الذین یتقبل الله عنهم احسن ما عملوا، در و چهره نما و اگر چه

روند شکل‌گیری و دگرگونی بنا

مسجد جامع سمرقند یا مسجد جامع امیر تیمور که به نام مسجد بی‌بی‌خانم، همسر تیمور شهرت یافته است، در شهرسمرقند، در جنوب دروازه آهنی که در محلی بین عرصه شهر قدیم و بخش جدید بود، ساخته شد. بنای این مسجد در ماه رمضان سال ۸۰۶ هـ.ق. آغاز شد و تا سال ۸۰۶ ق. ادامه یافت. این مسجد به دستور امیر تیمور ساخته شد و بر پایه برخی اسناد موجود به نظر می‌رسد که آن را به خاطر و به نام همسرش که گویا چینی تبار بود (مانزو، ۱۳۸۰: ۱۳۹) ساخت.

نام معمار و طراح بنا به روشنی آشکار نیست، و در متن‌های تاریخی از شخصی به اسم محمد جلد نام برده شده که تیمور ساخت بنا را به وی سپرده بود. در بعضی از متن‌های تاریخی از او به عنوان یکی از یاران و مباشران تیمور یاد شده است. البته ابن عربشاه که محمد جلد را یکی از یاران و مباشران تیمور دانسته، به نکته‌ای اشاره کرده که ممکن است آن را بتوان به نقش مهم محمد جلد در نظارت یا دخالت در طراحی و ساخت بنا نسبت داد. وی در این زمینه چنین نوشته است: «وی در بنای مسجد و استواری بنیاد آن بسیار بکوشید و در نیکویی و زیبایی و زینتش نهایت جهد به‌کار برد و آن را چهار مناره بر افراشت و بدین کار بر همه استادان صنعت معماری مباحثات و سرافرازی می‌کرد، بگمان آن که جز او هیچکس را یاری آن نبوده که به‌کار صنعتی چنان دست برآورد» (ابن عربشاه، ۱۳۳۹: ۲۲۶). در این متن و ساخت چهار منار را به وی نسبت داده و اشاره شده که او به این سبب بر همه استادان معماری مباحثات می‌کرد. در برخی از متن‌ها متأخر بر اساس بعضی حکایت‌ها بر معمار جوانی از اهالی خراسان به عنوان معمار این مسجد اشاره شده است (Lawton 1991: 62).

این مسجد را یکی از مهم‌ترین بناهای دوره تیموری و برخی آن را باشکوه‌ترین بناهای این عهد و نشانه‌ای از قدرت او و تمایل وی به شکوهمند نشان دادن آثارش (پلر و یلوم؛ ۱۳۸۲: ۶۳) دانسته‌اند و بیان کرده‌اند که سمرقند جواهر منطقه شرق و مسجد بی‌بی‌خانم جواهر سمرقند بوده است (Bulatova Shishkina 1986: 74).

اسناد موجود نمایانگر آن است که در ساخت بعضی از قسمت‌های بنا عجله یا بی‌دقتی صورت گرفته بود و این نکته سبب شد که به فاصله اندکی پس از ساخت بنا، قسمت‌هایی از آن دچار آسیب شود و مردم یا نگرانی از تخریب بنا در آن‌جا نماز می‌خواندند. به همین سبب پس از سال ۸۰۶ ق. که به عنوان زمان پایان یافتن ساختمان مسجد به آن اشاره شده است، گویا مستحکم‌سازی برخی از قسمت‌های بنا دوباره انجام شد.

زلزله‌ای که در سال ۱۸۹۷/۱۳۱۵ در سمرقند روی داد، موجب ویرانی مسجد و به‌ویژه بخش‌های مهم و مرتفع ساختمان شد (ویلبروگلمیک؛ ۱۳۷۴: ۳۴۵). در دهه ۱۳۵۰ش/۱۹۷۰ م مسجد بازسازی شد.

بررسی متن‌های تاریخی

شرف‌الدین علی یزدی چگونگی تصمیم‌گیری تیمور برای شروع عمارت مسجد جامع سمرقند را در سال ۸۰۱ ق چنین بیان کرده است:

«چون از منطوق آیت کریمه انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الآخر، مستفاد می‌گردد که عمارت مساجد نتیجه صدق (ایمانست) بذات و صفات خالق اکبر و باور داشتن احوال و اوضاع قیامت و روز محشرست، حضرت صاحبقران مؤید دادگستر در یورش هندوستان که بهدم بنیان شرک و طغیان و ویران ساختن آتشکده و بتخانهای بی‌دینان مشغول بود نیت فرمود، و نیه المومن خیر من عمله، که در سمرقند مسجد آدینه‌ای بسازد و شرفات آن بقمه افلاک برافرازو چون موکب جهانگشای در کنف حفظ و تأیید خدای نصرت بخش راه‌نمای

بدارالسلطنه سمرقند معاودت فرمود امر عالی به بنای آن عمارت سپهر فرسانفاد یافت و بحکم، الاحدلبنا، روز یکشنبه چهاردهم ماه مبارک رمضان سنه احدی و ثمانمابه موافق توشقان ثیل که قمر در اسد بود منصرف از تدبیس آفتاب و متصل بتسدیس زهره مهندسان صاحب هنر و استادان ماهر دانشور در ساعتی خجسته و طالعی شایسته اساس آن را طرح انداختند و عمله و پیشه‌کاران جایک‌دست که هریک سر آمده کشوری و یگانه مملکتی بودند دقایق حذاقت و مهارت در تشیید ارکان و توطید بنیان آن بظهور رسانیدند و از سنگ‌تراشان آذربایجان و فارس و هندوستان و دیگر ممالک دویست نفر در نفس مسجد بکار بودند و پانصد کس در کوه‌های ببریدن سنگ و روان داشتن بشهر ایستادگی می‌نمودند و اصناف صنایع و پیشه‌وران که از تمام معموره عالم بیای تخت جمع آمده بودند هر کس در قسم خود غایت جهد مبذول میداشت، و جهت جمع آلات نود و پنج زنجیر بیل کوه پیکر که از کشور هند سمرقند رسیده بود همه را بکار در آوردند و سنگها عظیم بزرگ را بگاو گردون و مردم بسیار می‌کشیدند و سرکارها بر شاهزادگان و امرا بخش کرده از کوشش و اجتهاد آنچه در حیز قدرت و طاقت بشری گنجد هیچ دقیقه در هیچ باب اهمال نمیرفت، و در خلال این احوال امیرزاده محمد سلطان که بر حسب فرمان درین مدت بسرحد جته نشسته بود با معدودی از خواص ملازمان برسد و در خانقاه تومان آغا بشرف بساط بوس استعداد یافته رسم نثار و پیشکش باقامت رسانید، و حضرت صاحبقران شاهزاده را (در) کنار گرفته نوازش فرمود، و آن حضرت از غایت اعتناء و اهتمام که در اتمام آن شغل دینی داشت بنفس مبارک بسر عمارت حاضر می‌شد بلکه در آن مدت اکثر اوقات بقرب

سنگی بنا مانند سنگ ازاره‌ها و کف سنگی مسجد را آماده سازند. این سازه برای پوشاندن سطح بزرگ شبستان‌ها مناسب بود.

برای دستیابی به عناصر شکوهمند و بسیار مرتفع که بتوانند خواست تیمور را برای ساختن با عظمت‌ترین مسجد در ایران در آن زمان تا جایی که در قلمرو تیمور و سرزمین‌های مجاور بی‌همتا باشد، مجبور به استفاده از سازه‌بنایی بودند و باید تا جای ممکن آن را تقویت می‌کردند زیرا سمرقند شهری زلزله‌خیز بود و باید برای حفظ عناصر مرتفع ساختمان تا حد ممکن پایه‌ها و جرزهای آنها را ضخیم و با قطر زیادی می‌ساختند، چنان استفاده از پایه‌هایی با ضخامت بیش از ده متر در پیشطاق ورودی را می‌توان نمونه‌ای کم‌نظیر در این زمینه به شمار آورد. همین نکته سبب شده که نوعی دو گانگی سازه‌ای در نقشه بنا نمایان باشد.

پیرامون بنا بر اساس نقشه‌های تهیه شده توسط پژوهشگران از آن، مستقیم و ساده و بدون عناصر تو رفته یا بیرون آمده بود و تنها در چهار گوشه بیرونی بنا را از چهار برج-منار استفاده شده است و پیشطاق ورودی تنها بخش بیرون‌آمده بنا است که حدود چهارده متر از بدنه بنا در این جبهه جلوتر است. آشکار است که بین این ساختمان و بناهای اطراف آن مقداری فاصله ایجاد شده بود و بنا به صورتی مستقل از بافت شهری اطراف خود ساخته شد. این پدیده موجب شده بود که امکان ساخت روزن‌ها و پنجره‌های متعدد در امتداد بدنه‌های بیرونی بنا پدید آید.

در بالای ورودی، کتیبه‌ای به شکل ناقص باقی مانده است که قسمتی از متن آن چنین است «امر ببناء هذاالجامع المبارک العالی تیمور گورکان بن امیر ترغای فی السنه ۸۰۱» و در کتیبه دیگری که پیش‌تر روی قسمتی از سطح ورودی بود چنین نوشته شده «سلطان الاعظم عمادالدوله و الدین امیر تیمور گورکان... باتمام هذا الجامع فی سنه ۸۰۶» (ویلبروگلمبک، ۱۳۷۴: ۳۴۹).

برخی ویژگی‌های سبک شناسانه

در طراحی بنا از طرح چهار ایوانی و گنبدخانه استفاده شده است. پیشینه شکل‌گیری و کاربرد این طرح در مساجد کمینه به دوره سلجوقیان می‌رسد و از آن زمان تا دوره قاجار یعنی آخرین دوره معماری سنتی ایران به عنوان یک طرح اصلی و مهم در طراحی و ساخت بسیاری از مساجد جامع مهم ایران بزرگ همواره مورد استفاده قرار می‌گرفت و به عنوان مهم‌ترین ویژگی طرح مساجد و برخی از دیگر بناهای آیینی ایران شناخته شده است.

به نظر می‌رسد جدا و متمایز شدن ساختمان از بافت شهری مجاور آن از دوره ایلخانی در طراحی و ساخت برخی از بناهای مهم مورد توجه بوده است و در این زمینه می‌توان به مسجد جامع ورامین اشاره کرد. البته این ویژگی در دوره تیموری در مورد بناهای مهم و بزرگ به ویژه با کاربری آیینی در نواحی شرقی ایران بزرگ مانند خراسان و ماوراءالنهر به شدت مورد توجه قرار گرفت، در حالی که این ویژگی در شهرهای مرکزی و کویری کشور با بافت فشرده شهری و سنت‌های معمول طراحی چندان سازگار نبود و به جز برخی موارد نادر، مورد توجه قرار نگرفت.

کاربرد زوج منار در دو سوی ایوان ورودی در دوره ایلخانی معمول شده بود. در این بنا افزون بر آن، از یک زوج منار در دو سوی ایوان شبستان قله نیز استفاده شد. این ویژگی در دوره‌های بعد نیز در بعضی از بناها مورد توجه قرار گرفت. یک خصوصیتی که به نظر می‌رسد آن را بتوان نوآوری در این بنا به شمار آورد، استفاده از چهار منار در چهار گوشه بیرونی بناست. می‌توان حدس زد که این خصوصیت از طرح کاروانسراها

اقتباس شده بود، زیرا در کاروانسراها به دلایل امنیتی به حداقل چهار برج در چهار گوشه بنا نیاز بود، در حالی که در مساجد چنین کارکردی نمی‌توانست وجود داشته باشد و تنها به دلیل فرم و شکل بنا مورد استفاده قرار گرفت، به همین سبب در این متن از واژه برج - منار برای آنها استفاده شده است. این ویژگی در برخی از دیگر بناهای آیینی در دوره تیموری مورد استفاده قرار گرفت و آن را می‌توان از ویژگی‌های این دوره به شمار آورد.

طراحی و ساخت دو گنبد در پشت ایوان‌های شرقی و غربی مسجد از نوآوری‌های طراحی در این مسجد است که به نظر می‌رسد تنها در چند مورد مانند مسجد امام در اصفهان مورد اقتباس قرار گرفت و به عنوان یک خصوصیت در معماری ایرانی تداوم نیافت.

یک نکته مهم و مبهم در نقشه‌های موجود از این بنا؛ وجود تنها یک ورودی برای این بنای عظیم است که موضوع بسیار عجیبی است، مگر آن که حدس زده شود که ممکن است ورودی‌های ساده‌ای در شبستان‌ها بوده که در اثر تخریب بنا، اثری از آنها هنوز به دست نیامده است.

استفاده از گنبد‌های خیاره‌ای شکل یکی دیگر از نوآوری‌ها ویژگی‌های معماری این دوره است که در این مسجد نیز به کار رفته بود.

از کاشی‌های معرق و کاشی هفت رنگ برای تزئین سطوح بیرونی مسجد استفاده شده است اما به نظر می‌رسد برای تزئین سطوح درونی بنا به طور عمده از گچبری

استفاده شده بود. روی گنبد‌ها با کاشی پوشیده شده بود. رنگ کاشی‌ها گنبد‌های کوچک جانبی آبی روشن بود. در روی گریوهای گنبد‌های جانبی کتیبه‌هایی به خط نسخ وجود داشت. در برخی از سطوح از نقش‌های کوفی نیز استفاده شده است.

در روی سردر ورودی و برای کتیبه‌های آن از سنگ حجاری شده با آثاری از طلاکاری به کار رفته بود. از سنگ حجاری شده برای پایه ستون‌ها و برخی از ازاره‌ها نیز استفاده شده بود (ویلبر و گلمیک، ۱۳۷۴: ۳۴۸).

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی نشان می‌دهد که به مسجد جامع تیمور که مسجد بی‌بی‌خانم شهرت یافته است، بزرگ‌ترین مسجد باقی‌مانده و شاید بزرگ‌ترین مسجد ساخته شده در دوره تیموریان است که بر اساس اسناد تاریخی آشکار است که به سبب تأکید تیمور بر عظمت و شکوه‌مندی آن به صورت بنایی بسیار مرتفع و با ایهت ساخته شد و به نظر می‌رسد که حتی بخش‌هایی از آن مانند فضای ورودی آن نسبت به حالت نخستین آن مرتفع‌تر ساخته شد تا نظر تیمور درباره بی‌همتایی آن تأمین شود. برخی از ویژگی‌ها و نوآوری‌های طراحی آن مانند وجود زوج منار در کنار ایوان شبستان قله و دو گنبد در پشت ایوان‌های شرقی و غربی در مسجد امام اصفهان در دوره صفویه و بعضی از ویژگی‌های آن مانند چهار منار در چهار گوشه بنا و شکل خیاره‌ای گنبد و گریو بلند گنبد و تأکید بر ارتفاع در بسیاری از بناهای تیموری مورد توجه و اقتباس قرار گرفت. تنها نکته خاص که در صورت درستی وجود، باید آن را ضعف این بنا به‌شمار آورد، داشتن تنها یک ورودی برای چنین مسجد بزرگی است.

* این مقاله بخشی از طرح پژوهشی نگارنده، با عنوان «معماری تیموری» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مآخذ:

— این عرش‌نامه (۱۳۳۹)، زنده‌گانی شکفت‌آب تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران: نگاه و نشر کتاب.

— بلر، شیلا؛ بلوم، جانان‌ام (۱۳۸۲). هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی، ترجمه سیدمحمد موسی هاشمی گلپایگانی، تهران: سازمان چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

— پوگا چنکووا، گالینا؛ خاکیموف، اکبر (۱۳۷۲). هنر در آسیای مرکزی، ترجمه ناهید کریم زندی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

— پوگا چنکووا، گالینا (۱۳۸۷). شاهکارهای معماری آسیای میانه، ترجمه سید داوود طلایی، تهران: فرهنگستان هنر.

— خواند میر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی (۱۳۷۲). آثار الملوك، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: رسا.

— مازو، ژان پال (۱۳۸۰). هنر در آسیای مرکزی، ترجمه سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

— ویلبر، دونالد؛ گلمیک، لیز (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.

— هیان براند، رابرت (۱۳۸۶). معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

— بزندی، مولانا شرف‌الدین علی (۱۳۳۶). ظفرنامه، ج ۲، تصحیح محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

— Barry, Michael (1996), *Colour and Symbolism in Islamic Architecture*, London: Thames and Hudson.

— Bulatova, V; Shishkina, G (1986), *Samarkand, Taskant*.

— Hoag, John (1977), *Islamic Architecture*, New York: Harry N. Abrams, Inc.

— Lawton, John (1991), *Samarkand and Bukhara*, London: Taurist Parke Books

مسجد جامع سمرقند (مسجد بی بی خانم)

Jame Mosque of Samarghand (BiBi Khanom Mosque) ■ Hossein Soltanzadeh

حسین سلطانزاده **

چکیده

مسجد بی بی خانم یا مسجد جامع تیمور در سمرقند یکی از مهم ترین بناهای دوره تیموری به شمار می آید که به نظر می رسد نقش تعیین کننده ای در شکل گیری برخی از ویژگی های معماری تیموری به ویژه معماری مساجد جامع داشته است. هدف از انجام این بررسی عبارت از مطالعه خصوصیات مهم معماری این مسجد و معرفی آن است، زیرا این مسجد و بسیاری از بناهای ایرانی که بیرون از مرزهای کنونی ایران هستند، مورد بررسی و توجه کافی از سوی پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته اند. پرسش اصلی این تحقیق این است که چه ویژگی های سبک شناسانه و چه نوآوری هایی در طراحی و ساخت این مسجد به کار رفته است؟ نتایج تحقیق نشان می دهد که بعضی از نوآوری های طرح این بنا مانند استفاده از چهار منار در گوشه های بیرونی بنا و کاربرد زوج منار در دوسوی ایوان قبله در معماری ایرانی در نواحی شرق ادامه یافت و برخی از دیگر نوآوری ها مانند طراحی و ساخت دو گنبد در پشت ایوان های شرقی و غربی بنا در موارد معدودی مانند مسجد امام در اصفهان مورد توجه و اقتباس قرار گرفت.

کلید واژه ها: مسجد جامع، جامع امیر تیمور، مسجد بی بی خانم، مساجد تیموری.

مقدمه

دوره تیموری یکی از دوره های مهم تاریخ معماری ایران به شمار می آید که به چند دلیل به اندازه کافی مورد توجه و بررسی از سوی پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته است. یکی از دلایل آن را می توان در محدوده جغرافیای سیاسی امروز ایران جست و جو کرد، زیرا به سبب آن که پایتخت و بسیاری از شهرهای مهم تیموری در نواحی شرقی ایران بودند، و اینک بسیاری از آن سرزمین ها از محدوده کنونی کشور بیرون هستند،

توجه به آثار آن دوره به اندازه کافی و شایسته صورت نمی گیرد. عامل دیگر را می توان نوعی سبک شناسی معماری در ایران دانست که بر اساس آن معماری دوره تیموری زیرمجموعه معماری آذربایجان دانسته شده است. این پدیده در کم توجهی نسبت به معماری این دوره بی تأثیر نبوده است.

دوره تیموری را از جنبه توسعه فرهنگ و هنر کشور می توان دوره ای درخشان دانست و به ویژه در عرصه معماری و هنرهای وابسته به آن آثار فراوانی خلق شد و نوآوری هایی صورت گرفت که موجب اعتلای هنر این سرزمین شد. تیمور شخصی سنگدل و سفاک بود اما به سبب این که طی کشورگشایی های خود به سرزمین های دیگر می رفت و با معماری و برخی از هنرهای آن کشورها آشنا می شد و می خواست با توسعه هنرها برای خود اعتبار اجتماعی و فرهنگی پدید آورد، دستور می داد که اهل حرفه و هنرها را از بین اسرای جنگی جدا سازند و آنها را به مراکز مهم حکومتی خود مانند سمرقند و دیگر نواحی مجاور آن برای تولید آثار هنری و صنایع دستی می فرستاد. چنان که در ساخت مسجد بی بی خانم در سمرقند از بنایان و سنگ تراشان و هنرمندان هنری و آذربایجانی و سایر سرزمین ها استفاد شد. این پدیده از یک سو به توسعه معماری منجر شد و از سوی دیگر برخی از تجربه های محلی گسترش یافتند. شناخت معماری ایران بدون آگاهی صحیح از معماری دوره تیموری ممکن نخواهد شد و برای شناخت معماری تیموری لازم است که معماری مسجد بی بی خانم در سمرقند مورد بررسی قرار گیرد.